

خجسته باد اول ماه مه ،

روز همبستگی رزمی زحمتکشان جهان!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران تجاوز امریکا به ایران را محکوم می کنیم!

تحریک آمیز سکوی نفتی ایران می زنند. قایق های تندروی جمهوری اسلامی نیز با دست یازی به اقدامات نظامی متقابل، از جمله به آتش کشاندن نفتکش های کشورهای دیگر، تشنج در منطقه را تشدید می کنند. بدینسان در چارچوب اقدامات تلافی جویانه طرفین خطر گسترش دامنه جنگ، بویژه کشورهای منطقه خلیج فارس را تهدید می کند. حمله رزمناوهای امریکایی به سکوی نفتی ایران، که موجب زیان های مالی و چانی

هنگفتی شده است، در واقع نوعی جنگ اعلام شده ایالات متحده امریکا علیه مردم ایران و تجاوز آشکار به تمامیت ارضی میهن ماست. حزب توده ایران این اعمال تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا را، که از جمله با هدف توجیه حضور نظامی - سیاسی در منطقه خلیج فارس در نزد افکار عمومی مردم امریکا انجام می شود، پشدد محکوم می کند.

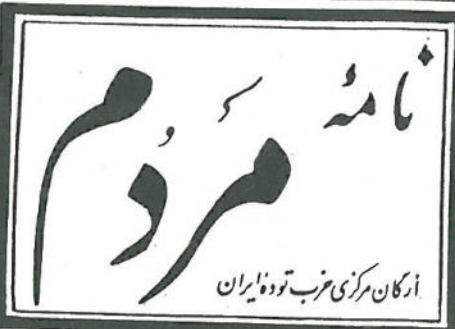
طبیعی است که جنگ ایران و عراق در خلاه بوجود نیامده و نتیجه یک سلسله از توطئه های امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بوده و هست. از روز نخست معلوم بود که تمرکز بسابقه نیروی دریایی امریکا و متحدان "ناآتو"یی آن در خلیج فارس، که سیاست ماجراجویانه رژیم حاکم بر ایران نیز در زمینه سازی آن نقش مهمی ایفا کرد، به هیچ وجه هدف تامین امنیت کشتیرانی در منطقه خلیج فارس را دنهار، نمی کند. امپریالیسم امریکا و متحدانش که ظاهرا خود را در جنگ بیطرف نشان می دهند، عملا طرفدار ادامه جنگ ایران و عراق و گسترش تشنج در منطقه و دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی هستند، زیرا تضعیف سیاسی و اقتصادی این کشورها به نفع آنهاست. در این چارچوب، امپریالیسم جهانی زمینه تحکیم

- * برسکوی ماه مه سیاوش کسریایی در ص ۷
- * اعتصاب و جنبش اعتصابی در سال ۶۶ در ص ۴
- * در دهمین سالگرد انقلاب ثور در ص ۲

مواطنان عزیز! رویدادهای روزهای اخیر در خلیج فارس بار دیگر درستی خواست حزب توده ایران در زمینه پایان دادن به جنگ امپریالیسم پرافروخته را به اثبات رساند. خهرهای رسیده نشانگر آنست، که خلیج فارس دیگر باره و به تدریج به منطقه جنگی تبدیل می شود. رزمناوهای امریکایی، بدستور ریکان، دست به ناپودی

شکومند و هر دم بالنده، مردمان را شاد و نامردمان را اندوهگین می سازد. کارفرمایان زورگور را به زانودرمی آورد. بر چهره بهره کشان و مدافعانشان عرق سرد می افشاند. قوانین ظالمانه را به نفع شما تغییر می دهد. درهای سیامچالها و زندانها را برای فرزندان، خواهران و برادران قهرمانتان می گشاید. شرک آوران جنگ طلب را از محیط کار بیرون می راند. آزادی می آورد. صلح می آورد. امنیت می آورد. عدالت می آورد. نان بچای نانچک، کل بچای گلوه، آبادانی بچای ویرانی، زندگی بچای مرگ. و دشنها و باغ های سرسبز، و گندمزارهای بی پایان، و جنگل های پر باره، و آسمان آبی، و چانهای آزاد و بی هراس از بختک "ولایت فقیه" هر چه سنگین تر و استوارتر باد کام مایتان!

اینک شایید و کارگران و زحمتکشان سراسر جهان، از هر رنگ و هر نژاد، با هر مذهب و هر مسلکی، که مشت می شوید درشت و سنگین و خاراثنین پر دهان بنیم و سرمایه خورشیدی می شوید بنیان سوز تاریک اندیشی و نادانی. کپورتان آزادی را صلح با دهان های سرودخوان شما به پرواز درمی آید. همه مشت ها یک مشت، همه دهان ها یک دهان، همه سرودها یک سرود! زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!



شماره ۲۰۴ دوره هشتم سال چهارم
سه شنبه ۱۳۶۷/۲/۶ بها ۲۰ ریال

پیروز باش کارگر!

برخیزید!
به احترام سر فرود آورید!
ارتش نیرومند کار در راه است.

کارگران و زحمتکشان ایران! درود بر شما! شاد باش پیروز باش برای اول ماه مه، جشن بزرگ رزمی تان، روز نبرد جهانی تان. کارگران مبارز! هفته های مخفی کارگری! درود آتشین بر شما! شما نفتگران، پولاد ریزان! شما بلور سازان، تراشکاران! شما کارگران ساختمانی، کشاورزی، اصناف! شما معدنچیان، شما کارگران استخراجی، جویندگان بیشمار کار! شما ای همه زبان و مردان زحمتکش، فرزندان رنج و کار، سازندگان امروز و فردا! بیایید! دست همکاران و همزمانان تان را بگیرید! از این کارگاه به آن کارگاه، از این کارخانه به آن کارخانه، تنها نیستید. میلیونها چون شما در اهنگ، فردا از آن شماست. اینک صدای گام های شمرده شماست که در سراسر خاک میهن طنین انداز می شود. این صدای

سخنرانی آتاتولی دوبرینین در جلسه مشورتی هیئت تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"

آتاتولی دوبرینین دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و رئیس هیئت نمایندگی این حزب در نشست مشورتی بررسی فعالیت مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" که چندی پیش در پراگ برگزار شد سخنرانی مشروحی ایراد کرد. او گفت:

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

سخنرانی آنا تولی...

ملی خلقها پدیدار گردیده است.

ما در اینجا مسائل مربوط به زندگی داخلی احزاب را بررسی نمی‌کنیم. این کار، حق مسلم خود آنهاست. اما صحبت کردن پیرامون موقعیت واقعی جنبش ما و علل وجود وضع بغرنج و متضاد در آن - در پیوند با وظایف این مجله - کاملاً لازم و برحق است.

این علل همانند نیستند، اما اگر کار را تا اندازه‌ای ساده بگیریم می‌توان آنها را به سه گروه تقسیم کرد.

نخستین گروه با برخی تبدیلات چشمگیر در توسعه اجتماعی جهانی و پیش از هر چیز با پدیده‌های نوین در رشد سرمایه‌داری پیوند دارد، که استعداد پایداری بسیار بزرگتری از آنچه که پیشتر تصور می‌شد را آشکار کرد. در شرایط انقلاب علمی - فنی و دگرگونی‌های عمیق اجتماعی ناشی از آن، خصلت پایگاه توده‌ای، که جنبش کمونیستی بطور سنتی بر آن تکیه می‌کرد نیز دچار تغییر شد. و این امر مسائل نه چندان ساده‌ای را در برابر جنبش مطرح ساخت.

اگر احزاب برادر در کشورهای رشد پاینده را در نظر بگیریم، در آنجا هم دشواریهای دیگری در پیوند با، نه تنها خطوط میراث مانده از گذشته، بلکه همچنین با بغرنجی رشد معاصر آنها نمایان گردید. بیشتر این کشورها عملاً در برابر این واقعیت قرار گرفتند که باید در شرایط سرمایه‌داری برای رشد مترقی و دمکراتیک مبارزه کنند.

دومین گروه از علل عینی، که مانع از رشد جنبش کمونیستی می‌شود بدون تردید به این علت بستگی دارد که سوسیالیسم در مرحله رشد کنونی هنوز بر تریبهای خود را بطور کامل آشکار نکرده است و تا حال نمونه‌های قانع‌کننده‌ای برای توده‌های کشورهای غربی در مورد دمکراتیزاسیون عمیق جامعه و حل بنیادین و پیشگام مسائل اقتصادی بدست نداده است. و به این علل، روندهای منفی در رشد تعدادی از کشورهای سوسیالیستی که از کشورها شروع می‌شود افزوده گردید. در نتیجه از نیروی جاذبه سوسیالیسم کاسته شد.

رهبران احزاب برادر در دیدار مسکو در این باره صحبت کردند و در عین حال اهمیت عظیم بین‌المللی دگرگون‌سازیهایی کنونی در کشورهای سوسیالیستی را نیز که در راستای نوسازی و تکمیل ساختار نوین است نشان دادند.

ما دگرگون‌سازی خود را با گرفتن رهنمون از شرایط و نیازهای کشور خودمان انجام می‌دهیم و به هیچ روی در این فکر نیستیم که آنرا بعنوان نسخه به همه پیشنهاد کنیم. اما ما مسئولیت بین‌المللی خویش را نیز برای پیروزی امری که آغاز کرده ایم آشکارا می‌بینیم. مگر نه اینست که، نه فقط سرنوشت سوسیالیسم، بلکه بمیزان زیادی سرشت و راستای مجموعه تکامل اجتماعی جهانی و سرانجام آینده خود تمدن، به نوسازی تئوری و یراتیک سوسیالیسم و استعداد کمونیست‌ها به در نظر گرفتن تغییراتی که در جهان روی می‌دهد بستگی دارد. اما به هر حال یک نتیجه‌گیری بجای خود می‌ماند: سرمایه‌داری جایگزین دارد. این جایگزین سوسیالیسم است.

سومین گروه از علل که تاثیر منفی بر وضع در جنبش کمونیستی گذاشت مربوط است به عرصه روابط متقابل احزاب برادر. ما اطمینان داریم که جنبش کمونیستی قادر است از دوره‌ای که بیش از اندازه به درازا کشیده و چه بسا نشان از بروز مجادلات در اشکالی داشته است که منجر به حادث شدن مناسبات میان احزاب و گاه افتادن شکاف در میانشان می‌گردیده است بیرون آید. ما بر آنیم که تاکید بر استقلال و عدم وابستگی احزاب دیگر جای بحث ندارد. امروز دیگر هیچکس و هیچ چیز آنرا تهدید نمی‌کند. در این رابطه وضع کاملاً روشن و بازگشت ناپذیر شده است. ضمناً عقب ماندن کمونیست‌ها در عرصه همکاری بین‌المللی، بویژه در متن اقدامات انترناسیونال‌های دیگر احزاب و جریانهای سیاسی: سوسیال دمکرات‌ها، "سبزها"، محافظه کاران و لیبرال‌ها نمایانتر می‌شود. و بر استی شجاعانه می‌توان تاکید کرد که سرنوشت جنبش ما، در درجه اول، بستگی به چیرگی بر این واپس ماندگی و ژرفش ارتباط متقابل احزاب کمونیست دارد.

به نظر ما جنبش کمونیستی، بعنوان یک مجموعه، اینک در لحظه بسیار پر مسئولیتی از رشد خود قرار دارد: لحظه جستجوهای بیباکانه، اندیشیدن‌ها، تردیدها و امیدها. و مسئله عمده برای همه ما اینست که جهان معاصر و مسائل آنرا بسیار ژرفتر بشناسیم، از راه پیموده شده و از تجربه تاریخی نتایج مشخص بگیریم و همزمان با آن راههایی را که ما را به آینده می‌برد ترسیم کنیم.

متأسفانه همه ما - منظور که در دیدار ماه نوامبر در مسکو گفته می‌شد، در مورد دریافت ژرف از محتوای واقعیات نوین پایان سده بیستم تاخیر کرده ایم. تاخیر در این زمینه را باید جبران کرد و پیش از هر چیز به مسائل تئوریک نوین متوسل شد. یکی از این گونه مسائل روز عبارتست از یافتن تناسب میان منافع و مسائل همه بشری و طبقاتی.

می‌خواهم توجه شما را به دو جنبه این مسئله جلب کنم. اولی عبارت از اینست که اگر در گذشته مارکسیست‌ها بر آن بودند که نابود سازی بویغ طبقاتی بر حل مسائل با خصلت همه بشری مقدم است، امروزه نمی‌توان بدون به حساب آوردن شعارها و وظایف مشترک بشری، امید به پیروزی داشت. این یک وضع نوین است اما دارای اهمیت اصولی است.

جنبه دیگر اینست که اگر باید بطور مشخص مبارزه برای حل مسائل عام بشری و مسائل طبقاتی را به هم پیوند داد، در اینصورت چه شعارهایی برای آن می‌توان یافت. این مسئله ایست که تنها با در نظر گرفتن ویژگیهای ملی هر کشور می‌توان آن را حل کرد.

برش دیگری هم هست که همه ما باید از موضعی نو و با نگرشی تازه برای یافتن پاسخ آن ببیندیشیم و آن راههای رشد و تکامل و مبارزه برای ترقی اجتماعی در شرایط معاصر است.

بسیاری از احزاب کمونیستی مدت‌هاست به این نتیجه رسیده‌اند که لازم است برای دگرگونیهای اجتماعی در شرایط مکرر اسی پیوسته رشد پاینده، راه مسالمت آمیز را تامین کرد. در شرایط کنونی بین‌المللی این نتیجه‌گیری بویژه آکتوتل

است.

اما ممکن است اوضاع دیگری هم پیدا شود: دخالت امپریالیسم و اعمال فشار از سوی نیروهای راست (که در واقع در هیچ جانیاید آن را منتفی دانست) می‌تواند منجر به واکنش کاملاً برحق و از جمله مسلحانه از سوی نیروهای انقلابی شود. چگونه باید این درگیری‌ها را در چارچوب ملی محدود کرد و اجازه نداد تبدیل به کانون تازه تنش بین‌المللی گردد؟ درباره این موضوع هم، تبادل نظر همه جانبه و در نظر گرفتن تمام تجربیات گذشته لازم است.

در حال برای ما روشن است که: ترقی اجتماعی، از هر راهی که باشد، امروزه تنها در شرایط صلح بین‌المللی و احترام به حق هر خلق که آزادانه و بدون دخالت از خارج سرنوشت خود را معین کند ممکن است.

اینک همه این مسائل، آنهم گاه با هیجان و داغ مورد بحث قرار می‌گیرد. در روند مباحثات، دیدگاههای گوناگون و گاه ناهمخوان با یکدیگر اظهار می‌شود. بذلل می‌رسد که اگر ویژگیهای وضع در کشورها و مناطق جداگانه و خصوصیات درونی این یا آن حزب برادر به حساب آید این پدیده کاملاً طبیعی است.

ما برای خود نتیجه‌گیری زیر را می‌کنیم: بسیار اهمیت دارد که به حرف یکدیگر با دقت گوش فرا دهیم، مواضع و دیدگاههای خود را، بویژه هنگامیکه سخن از دیدگاههای عام تئوریک و نتیجه‌گیری‌هاست، به اتفاق مورد بررسی قرار دهیم. روشن است که هیچیک از ما - انقلابیون - حق ندارد از زندگی و از مسائلی که زندگی مطرح می‌سازد عقب بماند. حزب کمونیست اتحاد شوروی از تجارب خود دریافت که: هر گونه عقب ماندن از زندگی و هر گونه نادیده گرفتن مسائل پیچیده، منجر به پیدایش دشواریها می‌شود که گاه می‌تواند وضع را در امانتیک کند. و ما از اینجا به جدی‌ترین نتیجه‌گیریها، هم در عرصه سیاسی و هم در ارتباط با بسط خلاق تئوری، که در این زمینه همچنین مایل به همکاری با احزاب برادر هستیم، دست می‌باییم.

مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" - درست جایی است که در آنجا نمایندگان احزاب می‌توانند بحث‌های آفریننده و عمیق انجام دهند.

بدین منظور ما بر آنیم که باید آزادانه، بدون بیم از برخورد عقاید، به بررسی مسائل عام و خاص جنبش پرداخت و فرهنگ معین مباحثات را تدوین کرد، بگونه‌ای که هم از دخالت در امور داخلی دیگران جلوگیری و هم از توهین‌ها و برچسب زنی‌های متقابل.

یکی از مسائل نه چندان آسان که اکنون مجموعه جنبش کمونیستی علی‌الاصول با آن روبروست، ارزیابی تجربه تاریخی جنبش است. تاریخ جنبش کمونیستی و در جای نخست همه آن چیزهایی که مربوط به حزب و کشور ما می‌شود موضوع درگیریهای حاد ایدئولوژیک گردیده است.

ما در حالیکه راه تکامل بخشیدن به سوسیالیسم را در پیش گرفتیم می‌بایست پیش از هر چیز به میراث لنینی روی آوریم. ما از تجربه خود خوب می‌دانیم که بزرگترین دستاورد کشورمان با کاربرد پیکیرانه اصول لنینی و متدولوژی لنینی پیوند دارد. و بر عکس - آنجا و آنگاه که این اصول نقض

در دهمین سالگرد انقلاب شور:

چشم اندازی امیدبخش تر در برابر سیاست آشتی ملی

امسال خلق برادر افغانستان دهمین سالگرد انقلاب شور را در شرایط نوینی برگزار می‌کند. سیاست آشتی ملی که رهبری افغانستان از حدود دو سال پیش بنا به خواست اکثریت قاطع مردم زحمتکش افغانستان دنبال می‌کند، این روزها کاملاً مهمی به پیش برداشت. گفتگوهای دو ساله غیر مستقیم میان نمایندگان افغانستان و پاکستان با وساطت نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد به نتایج معین رسید و امکان قطع مداخله مسلحانه از خارج، در امور داخلی افغانستان و تمرکز همه امکانات کشور در امر سازندگی به سود توده‌های محروم پدید آمد.

بیگانگان این یک مرحله پر اهمیت در راه پیر رنج زحمتکش افغانستان برای غلبه بر بیعدالتی اجتماعی و عقب ماندگی اقتصادی کشور است. راهی که همه نیروهای میهن پرست افغانستان صرف نظر از تعلق قومی و آرمائی خود در آن کام بر می‌دارند و در به نتیجه مطلوب رسیدن آن نفع مشترک دارند. اما باید گفت که این در عین حال یک پیکار سهمگین طبقاتی است و پیروزی در آن سهل و آسان بدست نمی‌آید. چرا که طبقات و قشرهای بهره‌کش و غارتگر که طی قرن‌ها به زندگی طبقاتی و ارباب حساب رنج و زحمت توده‌های خلق عادت کرده‌اند، داوطلبانه حاضر به دست کشیدن از امتیازات غیر عادلانه خود نیستند. این واقعیت که اکثر سرکردگان

شده‌اند و یاموردی اعتنائی قرار گرفته‌اند، متحمل ناکامی و گاه شکست شده‌ایم.

بر مسند نشانند حقیقت تاریخی - یعنی دفاع از لنینسم و اثبات راستین بودن آن. بر مسند نشانند حقیقت تاریخی، سنگپایه پیشرفت و یکی از تضمین‌های مهم برای آنست که کارهای منفی گذشته تکرار نشود.

البته هنگام مباحثه پیرامون مسائل تاریخی در کشور ما دیدگاه‌های گوناگون و چه بسا متضادی بیان می‌شود. مباحثه، مباحثه است. اما همه باید بدانند که برداشت مربوط به تاریخ حزب را سرانجام خود حزب ارائه خواهد داد.

مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" بدون قید و شرط باید همچنان متعلق به ما، یعنی نشریه کمونیستی باشد. اما نمی‌تواند سهم خود را برای برقرار کردن همکاری گسترده‌تر میان نیروهای که مجموعه "طبقه کارگر و مجموعه جنبش دمکراتیک رانمایندگی می‌کنند ادان سازد.

همه اینها بویژه اکنون، زمانیکه می‌توان با شجاعت ورود توده‌های میلیونی اهالی همه قاره‌های کره زمین به پیش صحنه خود تاریخ را بچشم دید اهمیت دارد.

آنانتولی ذبیرنین در پایان سخنرانی خود تاکید کرد که باید بر پایه بهترین و آزموده‌ترین سنت‌های مجله، در آن دگرگونیهای قاطع بسوی واقعیات و مسائل تازه، بسوی کاوشهای معاصر فکری - نظری احزاب برادر، بسوی نوآندیشی سیاسی صورت گیرد، در عین حال که اصول برابری حقوق احزاب و همکاری و اقرار فیکانه آنها پیکرانه‌تر و ژرفتر دنبال شود و دمکراتیسم وسیع و جمعی بودن مجله تضمین گردد.

به اصطلاح "مجاهدین" در پاکستان، از فتودالها و ثروتمندان بزرگ سابق افغانستان هستند خود بهترین شاهد این مدعاست. تجربه کشور ما هم نشان می‌دهد که طبقات و قشرهای غارتگر همیشه کوشیده‌اند و می‌کوشند از مذهب و باورهای مذهبی توده‌های خلق برای حفظ موقعیت ممتاز طبقاتی خود و ابدی کردن نظام بهره‌کشی غارتگرانه سو استفاده کنند.

در دهمین سالگرد انقلاب شور مردمان شرافتمند و زحمتکش ایران، بهروزی و خوشبختی خلق برادر افغانستان را در راه ساختن میهنی آزاد و آباد و پیشرفته آرزو می‌کنند. ولی انقلاب افغانستان در ایران نیز دشمنان سرخستی دارد. طبقات و قشرهای غارتگر و طفیلی و عالیشان در کشور ما، که البته همه نقاب "اسلامی" نیز بر چهره دارند چشم دیدن سعادت مردم افغانستان را ندارند.

در آستانه امضای موافقت نامه‌های ژنو و پس از آن، گردانندگان رژیم "ولایت فقیه" از هیچ فرصتی برای ممانعت از امضای آنها و سپس تخطئه و بی‌اعتبار جلوه دادن آنها فروگذار نکردند. همه رسانه‌های گروهی در جمهوری اسلامی یکصدا اعلام می‌کردند و می‌کنند که هر گونه توافقی در مورد افغانستان که به حکومت انحصاری "مجاهدین" بدون شرکت "مارکسیست"ها منجر نشود رابر سمیت نمی‌شناسند.

البته منظور گردانندگان جمهوری اسلامی از "مجاهدین" همان سران گروههای ضد انقلابی هستند که جنگ افزارها و همه امکانات مالی خود را از دولت ایالات متحده آمریکا و دیگر دولتهای امپریالیستی دریافت می‌کنند و بارها به دیدار ریگان رئیس جمهوری آمریکا شتافته‌اند. یعنی بنظر سران مرتجع جمهوری اسلامی، آنکس که برای خودشان "شیطان بزرگ" است برای دیگران می‌تواند "خدا بزرگ" باشد. ولی هر آدم با عقلی می‌داند که امپریالیسم، امپریالیسم است و نمی‌تواند بیکجا در کسوت آدمکش و جای دیگر در ردای منجی ظاهر گردد. پس اگر در اینجا تضادی وجود دارد، همانا در میان حرف و عمل گردانندگان و اسپرگرای جمهوری اسلامی است. اینانند که در گفتار با "زرا اندوزان" مبارزه می‌کنند و در کردار در خدمتشان قرار دارند. اینانند که در حرف با امپریالیسم می‌رزمند و در عمل به پیشبرد سیاستش کمک می‌کنند.

در هر حال نباید پنداشت که با امضای موافقت نامه‌های ژنو، مردم افغانستان از مداخله امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه در امور داخلی خود بطور کامل رهایی خواهند یافت. علاوه بر گردانندگان جمهوری اسلامی که در هیچ کشور مسلمان نشینی به کمتر از "حکومت مطلقه" ولی فقیه راضی نیستند و راه تحقق آن را نیز فقط کاربرد "شمشیر" و ریختن خود "مخالفتان ولایت فقیه" می‌دانند، پاکستان نیز که بطور کلی مجری استراتژی امپریالیسم آمریکا در منطقه بویژه علیه کشور صلحدوست هندوستان است، دست از تحریکات پنهانی علیه انقلاب افغانستان بر نخواهد داشت. اما مردم افغانستان نیز تنها نیستند و با

"هیئت ملی همبستگی ایران"

در کنفرانس کابل

از بیست و نهم تا سی و یکم مارس ۱۹۸۸ یک کنفرانس بین المللی توسط "سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا" - "آپسو" پیرامون نقش سازمانهای اجتماعی غیر دولتی در حل و فصل درگیریهای منطقه‌ای با شرکت ۵۰ کشور، ۱۵ سازمان و ۱۵ نماینده مطبوعات مترقی در کابل برگزار گردید.

"هیئت ملی همبستگی ایران"، که نمایندگان حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آن عضویت داشتند در این کنفرانس شرکت داشت.

کنفرانس را سرور منگل، رئیس سازمان صلح و همبستگی افغانستان، کشود، سپس سلطانه علی کشتمند، رئیس شورای وزیران افغانستان، سخنرانی پرشوری ایراد کرد.

آنگاه رؤسای هیئت‌های نمایندگی کشورها و سازمان‌های شرکت کننده رشته سخن را در دست گرفتند. همه شرکت کنندگان با شور و اشتیاق فراوان و احساس مسئولیت عمیق پیرامون مسائل صلح و همبستگی و حل و فصل درگیریهای منطقه‌ای، از راه صلح آمیز، به بحث و تبادل نظر پرداختند. تقریباً همه سخنرانها مسئله جنگ ایران و عراق و خطر تداوم و گسترش آن به دیگر کشورهای منطقه، فاجعه "جنگ شهرها" و استفاده از موشک و جنگ افزار شیمیایی علیه اهالی غیر نظامی و ضرورت قطع فوری آن مطرح می‌شد.

در قطعنامه نهایی کنفرانس نیز این مسئله در بند جداگانه ای گنجانده شد.

"هیئت ملی همبستگی ایران" عضو کمیسیون قطعنامه‌ها نیز بود و بطور فعال و موثر در کار تنظیم و تصویب آنها شرکت کرد. بعد از ظهر روز ۲۱ مارس شرکت کنندگان در کنفرانس دیداری با دکتر نجیب‌الله، رئیس جمهور افغانستان، داشتند.

روز یکم آوریل پس از پایان کنفرانس نامبرده، جلسه مشورتی نمایندگان سازمانهای ملی

بقیه در ص ۷

تکیه بر پشتیبانی نیروهای مترقی و صلحدوست سراسر جهان خواهند توانست از استقلال و حق حاکمیت و تمامیت ارضی خود، و از آینده بهتر برای توده‌های زحمتکش افغانستان دفاع کنند.

امیدواریم که با امضای موافقت نامه‌های ژنو ثمرات زندگی بخش انقلاب شور در همه عرصه‌های زندگی مردم افغانستان بیش از پیش آشکار شود.

در پیوند با دهمین سالگرد انقلاب شور پیام شادپاشی از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران برای کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان فرستاده شده است. در این پیام ضمن ابراز پشتیبانی کامل از حزب برادر، بهروزی و شادکامی برای خلق رنج کشیده افغانستان در پرتو موفقیت‌های پیش از پیش سیاست آشتی ملی آرزو شده است.

اعتصاب و جنبش اعتصابی در سال ۶۶

در گزارش هیئت سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی حزب توده* ایران پیرامون مسائل و جنبش کارگری از جمله آمده است:

"مقابله با بیکاری، گرانی، جنگ و پیامدهای مخرب سیاست ضد خلقی رژیم ج.ا. جز از راه مبارزه امکان پذیر نیست. اعتصاب برنده ترین حربه در دست طبقه* کارگر است."

آری اعتصاب، یکی از اشکال پیشبرد مبارزه* طبقاتی و یکی از برنده ترین حربه های بیکار طبقه* کارگر بر ضد سرمایه داران، کارفرمایان و نظام و دولت پاسدار منافع غارتگران اجتماعی و در راه دستیابی به خواستهای اقتصادی، صنفی و سیاسی خویش است. اعتصاب برای کارگران و زحمتکشان "مکتب نبرد"، مکتب آزمون و آموزش و مکتب شناخت و تجربه اندوزی است. در روند مبارزه* طبقاتی، هر نبرد اعتصابی، قطع نظر از کامیابی ها و ناکامی های مرحله ای آن، گامی است به پیش در جهت تشکیل طبقه* کارگر. زمانیکه کارگران چرخهای تولید کارخانه ای را از حرکت باز می دارند و سرمایه داران و کارفرمایان و به پشتیبانی آنها، مدافعان و بیانگران منافعیان در حکومت، به همراه چکمه پوشان مسلح سرسیمه به ناکامی می افتند، کارگران دگر بار به توانمندی خود پی می برند، چشمان به روی حقیقتی بزرگ به عظمت نیروی بالقوه شگرف و دگرگون ساز شکل و اتحاد باز می شود. مبارزه* اعتصابی متشکل به کارگران امکان می دهد تا جایگاه طبقاتی خود را در چارچوب مناسبات تولید سرمایه داری و نیز خصلت طبقاتی هیئت حاکمه و نظام اجتماعی فرمانروا بشناسند.

زمانیکه کارگران بدون هراس از هر محرومیتی در راه خواستهای برحق خود پیاپی خیزند و دست به اعتصاب می زنند، بگفته* نلین بیاد می آورند که "موقعیتشان نومیدانه نیست و تنها نیستند". در عین حال، "اعتصابها به کارگران می آموزند که با هم متحد شوند، به آنها نشان می دهند که فقط وقتی متحد باشند می توانند علیه سرمایه داران مبارزه کنند."

نلین دستاوردهای اعتصاب را چنین تصویر می کند: "هر اعتصابی اندیشه* سوسیالیسم را بشدت در ذهن کارگران سوخ می دهد. اندیشه* مبارزه* تمام طبقه* کارگر برای آزادی از ستم سرمایه... بر کارگران روشن می شود که طبقه* سرمایه دار در کل، دشمن کل طبقه* کارگر است و کارگران تنها می توانند روی خودشان و عمل متحدشان حساب کنند... اعتصاب چشم کارگران را نه فقط به ماهیت سرمایه داران، بلکه به ماهیت دولت و قوانین نیز بازمی کند..."

حال با چنین دستمایه ای، به ارزیابی دستاوردهای جنبش اعتصابی طبقه* کارگر ایران در سال ۶۶ می پردازیم:

در سال ۶۶، جنبش اعتراضی و اعتصابی کارگران و دیگر زحمتکشان در کارخانه ها و واحدهای تولیدی که در التهاب بحران ژرف

زائیده* سیاست ضد ملی و ضد مردمی اقتصادی - اجتماعی رژیم می سوزند، نفسی تازه کرد. رویدادهای گوناگون مبارزات زحمتکشان نشانگر آنست که اعتصاب، در میان دیگر اشکال مبارزه، بیش از پیش جای در خور خود را باز می کند و رنجبران کار به استخوان رسیده بگونه ای فزاینده برای دستیابی به خواستهای خود این حربه* کارآمد را بکار می گیرند.

در سال گذشته، با خروج جنبش اعتراضی و بویژه اعتصابی از افق نسبی سالهای ۶۴ و ۶۵، شاهد گسترش موج نسبتاً چشمگیر اعتصاب بویژه در کارگاههای بزرگ صنعتی بودیم. "نامه* مردم" تا کنون خبر دهها اعتصاب کارگری را منتشر ساخته است که غالباً با پیروزی پایان یافته اند. از جمله اند: اعتصاب کارگران در کارخانه های "کش ملی"، "استار لایت" ("جوراب آسیا")، "کاشی سعدی"، "سینتا"، "چدن چکش کار ایران" (مالی بل سابق)، "مقره سازی" (واقع در شهر صنعتی ساوه)، "چیت سازی تهران"، "بنز خاور"، "الپاف"، "نازبافت تهران"، "کاشی سازی نیلو"، اعتصاب کارگران "لیفتراک صنایع چوکا"، سه بار اعتصاب کارگران و کارمندان "کشتی سازی خلیج فارس"، اعتصاب کارگران معدن نرزه، اعتصاب کارگران "کارگاه خیاطی شهید صدوقی"، اعتصاب کارگران "کشت و صنعت کارون" و غیره.

در پیوند با این اعتصابها، آگاهی از نکات زیر اهمیت جدی دارد:

- این اعتصابها عمدتاً در راه دستیابی به خواستهای صنفی همانند پرداخت حقوق معوقه، دریافت حق بهره وری، افزایش حقوق و دستمزد، اجرای درست طرح طبقه بندی مشاغل، تامین امنیت شغلی و متوقف ساختن اخراجهای بی رویه* فردی و جمعی، کاهش ساعات کار، عدم کسر درصدی از حقوق یا دستمزد ناچیز کارگران برای کمک به جیبهای جنگ، تامین امنیت جانی در محیط کار، مرخصی با حقوق و حق بازتشتگی، بهبود وضع بهداشت و درمان و حق برپایی تشکلهای صنفی، براه افتاد.

- اکثریت شکننده* این اعتصابها در کارگاههای بزرگ صنعتی با بیش از ۸۰۰ کارگر روی داد.

- این اعتصابها عمدتاً بشکل پراکنده در سطح کارخانه های جداگانه شکل گرفت.

- بیشتر اعتصابها با دخالت نهادهای سرکوبگر همانند سپاه و کمیته و در مواردی با حضور مستقیم و رسمی عوامل "وزارت اطلاعات" بمنظور سرکوب آنها همراه بود.

در شرایطی که در کارخانه های بزرگ صنعتی در نتیجه* بحران اقتصادی و ورشکستگی ارزی و مالی با نبود و کمبود بی سابقه* مواد اولیه، لوازم بدکی و قطعات نیم ساخته روبرو هستند و طبیعتاً بیش از پیش بحالت تعطیل و نیمه تعطیل در می آیند و کارگران خود را در برابر غول بیکاری فقر و گرسنگی بی دفاع احساس می کنند (و هم از اینروست که

اکثریت اعتصابها در این کارخانه ها روی می دهد). کارگران این کارخانه ها که تجربه* تلخ و زندگی فلاکتبار و سیاه اندر سیاه آن گروه از رفقا و همکاران خود را که تن به بازخرید یا اخراج استفاده از بیمه* بیکاری داده اند، در پیش رو دارند، بسادگی حاضر نیستند که پایشان را جای پای آنها بگذارند. به این خاطر، تمایل غالب در میان کارگران این کارخانه ها ایستادگی در برابر اخراجها و جلوگیری از حق کشی ها، بند و بست ها و دزدیها و حیف و میل مواد از طریق اعمال نوعی کنترل کارگری بر تولید است. کارگران می خواهند بر مراحل گوناگون تولید و انبارداری نظارت و بیره اعمال کنند تا مثلاً مواد اولیه، لوازم بدکی و نیمه ساخته ها بجای مصرف در خط تولید و تبدیل شدن به کالا، با توجه به تقاضاهای موجود در بازار، برای فروش به قیمتهای سرسام آور به بازار سیاه بی در و پیکر راه نیابند و کارگران با کاهش حقوق و دستمزد یا بیکاری، روبرو نشوند. و با کالاهای تولید شده به بهانه* نداشتن بازار و مشتری بی دلیل انبار و دستاویزی برای اخراج گروه دیگری از کارگران نشوند. تمایل به اعمال نوعی کنترل کارگری بر روند تولید از جمله در اعتصابات "کارخانه* صنایع چوب ایران" و "کارخانه* کاشی سازی، نیلو" آشکارا چهره* خود را به نمایش گذارد. برای بدست آوردن نظر روشن بجاست خبر دریافتی پیرامون اعتصاب کارگران کارخانه* کاشی سازی "نیلو" را از نظر بگذرانیم:

"کارگران کارخانه* کاشی سازی "نیلو" (واقع در نجف آباد) اطلاع یافتند که مدیریت کارخانه که منتصب وزارت صنایع است، قصد دارد ۱۲۵ هزار تومان حق بهره وری کارگران را نبردازد. کارگران کارخانه به همراه شورای اسلامی کار دست به اعتصاب زدند و مدیریت را از کارخانه اخراج کردند. مدیریت راهی تهران شد. شورا مدیریت کارخانه را به عهده گرفت. اداره* کارخانه توسط شورا بعدت یک ماه و نیم ادامه پیدا کرد و کارگران از وضع پیش آمده راضی بودند. پس از یک ماه و نیم مدیریت با کمک وزارت صنایع به کارخانه بازگشت، ابتدا شورا را منحل و نفر دیگر را به جای آنها انتصاب و اعضا* شورا را از کار اخراج کرد. عده ای از کارگران فنی را نیز از شغل های خود برداشت و به کارهای ساده گماشت. باید توجه داشت همه* این کارها در شرایط خفقان و سرکوب انجام گرفت."

- مدیران و کارفرمایان برای مقابله با کارگران اعتصابی تلاش می ورزند به اشکال گوناگون، از جمله استفاده از کارگران دیگر رشته ها برای شکستن اعتصاب استفاده کنند. اما این شکل روبرویی با کارگران بیش از پیش با عدم موفقیت روبرو می شود. به خیر مربوط به اعتصاب کارگران "لیفتراک صنایع چوکا" توجه کنید:

"در مهر ماه، در کارخانه* "صنایع چوکا"، کارگران قسمت لیفتراک با طرح کردن شاری از خواستهای خود دست از کار کشیدند. مدیریت تلاش کرد آنها را به سرکار بازگرداند، ولی موفق نشد. بعد از آن برای آنکه اعتصاب آنها را در هم بشکند به شرکت "کارتن ایران" مراجعه کرد و از کارگران قسمت لیفتراک این کارخانه خواست تا بجای کارگران اعتصابی در صنایع چوکا کار کنند.

کارگران کارتن ایران که دست مدیریت صنایع چوکا را خوانده بودند، نپذیرفتند و بدین وسیله همبستگی خود را با کارگران صنایع چوکا ابراز داشتند. در نتیجه کارگران لیفتراک صنایع چوکا به برخی از خواستهای خود دست یافتند.

در بیشتر موارد، پس از هر اعتصاب، مدیران و کارفرمایان بویژه با همکاری خبرچینان و وابسته به انجمن‌های اسلامی و جاسوسان وزارت اطلاعات، تلاش می‌ورزند با شناسایی کارگران آگاه و فعال و سازمانگر، در بهترین حالت از طریق بازخرید خود را از "شر آنها خلاص" سازند.

در مواقع بسیاری دیده می‌شود که کارگران اعتصابگر با آگاهی فزاینده از حاکمیت رژیم ترور و خفقان، بگونه‌ای رشد یابنده از همکاران خود که در جریان اعتصاب مورد شناسایی قرار می‌گیرند و زمینه اخراج آنها فراهم یا اجرامی گردد، جانانه به دفاع می‌پردازند. نمونه: در کارخانه "استارلایت" و "کفش ملی"، کارگران با اعتراض جمعی خود توانستند گروهی از همکارانشان را که بعنوان "عوامل اغتشاش" بازداشت شده بودند، آزاد و به سر کار باز گردانند. کارگران و کارمندان "کیان تایر" با مبارزه متحد خود موفق

در پشت هر حرکت اعتصابی اوج تدریجی مقابله با رژیم نهفته است.

اگر در شرایط کنونی، سرمایه‌داران و کارفرمایان و مدیران کارخانجات دولتی - که اغلب در زمینه "سو" استفاده از دسترنج کارگران دست کمی از منتابان خود در بخش خصوصی ندارند و رژیم مدافع آنها تلاش می‌ورزند تا اعتصابها را ظاهراً از طریق تهدید و تطمیع و عقب نشینی‌های معین و یا با به اصطلاح پرهیز از ریختن خون پایان دهند، علت آنست که می‌دانند هر بار و فشار اضافی بر دوش کارگران جان به لب رسیده که سنگین‌ترین بار بحران اقتصادی - اجتماعی را بر دوش می‌کشند، می‌تواند خشم آنها را در سطحی غیر قابل پیش بینی منفجر سازد.

اعتصابهایی که در سال گذشته روی داد، نشانگر آنست که کارگران در مقایسه با دو سال پیش مصمم‌تر و پیگیرتر در اعتصابها شرکت و تادستیایی به پیروزی ایستادگی می‌کنند و در صورت سازماندهی صحیح این اعتصابها می‌تواند به پدیده‌ای بالنده تبدیل گردد. هر چند که زمینه‌ساز این اعتصابها، از نظر مضمون عمدتاً خواستهای صنفی و اقتصادی است، ولی هیچگاه نباید از نظر دور داشت که بگفته "لنین" هر مبارزه "صنفی تا حدی

رژیم، خواه از نظر کمی و خواه از نظر کیفی، افزایش خواهد یافت.

ولی آنچه را که در این روند هرگز نباید از نظر دور داشت عبارتست از اینکه میدان اصلی نبرد طبقه کارگر، میدان مبارزه "سیاسی" است. لنین ضمن آنکه می‌گوید "اعتصاب مکتب نبرد است، مکتبی که کارگران می‌آموزند با دشمنان خود برای آزادی تمام مردم، تمام آنها را که زحمت می‌کشند، از زیر یوغ مأموران دولت و سرمایه‌بستیزند"، در عین حال تصریح می‌کند که "مکتب نبرد، خود نبرد نیست". کارگران بدون ست دمی سیاسی به مبارزات خود نمی‌توانند شرایط بهره‌برداری از نیروی بالقوه عظیم دگرگون‌سازشان را فراهم سازند. البته روشن است که مبارزه "سیاسی جز با تکیه بر اهرم مبارزه اقتصادی و در آمیختن با آن نمی‌تواند پا بگیرد. ولی باید توجه داشت که مبارزه "اقتصادی هم بدون عنصر سیاسی به بن‌بست می‌رسد. در این چشم انداز است که کلام سترک لنین معنای باید:

"اعتصاب‌ها وقتی می‌توانند موفقیت آمیز باشند که کارگر آن به اندازه کافی آگاهی طبقاتی داشته باشند..."

اینجاست که وظیفه "بزرگی در برابر همه" پیکارگران راه آزادی طبقه کارگر قد بر

برنامه حزب توده ایران (مصوب کنفرانس ملی ۱۳۶۵) در زمینه تامین کار و رفاه اجتماعی برای همه * افراد جامعه وظایف زیر را برای حکومت انقلابی و دمکراتیک تعیین می‌کند:	برنامه حزب توده ایران (مصوب کنفرانس ملی ۱۳۶۵) در زمینه تامین کار و رفاه اجتماعی برای همه * افراد جامعه وظایف زیر را برای حکومت انقلابی و دمکراتیک تعیین می‌کند:
*** تامین اشتغال برای همه * شهروندان در سن کار، اعم از زن و مرد و از بین بردن بیکاری و نیمه بیکاری؛	*** پرداخت کمک معاش به کارگران و کارمندان، نسبت به تعداد افراد تحت تکفل آنان؛
*** تامین و تضمین قانونی حداقل حقوق و دستمزد برای زحمتکشان، متناسب با نیازهای مادی و معنوی خانواده‌های آنها و ترمیم سالانه * حقوق و دستمزد با توجه به نوسان‌های هزینه * زندگی؛	*** پرداخت کمک معاش به کارگران و کارمندان، نسبت به تعداد افراد تحت تکفل آنان؛
	*** هماهنگ کردن مستمر تخصص کارگران با رشد امکانات فنی از طریق آموزش کار؛

شدند حکم اخراج پنج تن از همکاران خود را لغو کنند.

همروند با رشد نسبی مبارزات کارگران در محیط‌های کار و تولید، اعضای انجمن‌های اسلامی، عمدتاً بخاطر جاسوسی علیه کارگران و دفاع کورکورانه از رژیم و تبلیغ سیاست ضد مردمی و کارگر ستیزانه * آن از یکسو، و سنگ اندازی در راه تلاشهای جمعی حق طلبانه * کارگران از سوی دیگر، بیش از پیش منفرد می‌شوند.

در برخی اعتصابها، گاه رگه‌های قوی سازماندهی مخفی و عملکرد هشیارانه * مبارزه با پائیس دیده می‌شود. مثلاً، در لحظات معینی، که همه قرائن و شواهد موجود حاکی از تدارک سرکوب اعتصاب است و کارفرمایان و عوامل سرکوب برای دستگیری سازمانگران اعتصاب و در هم شکستن حرکت اعتصابی از کارگران می‌خواهند که نمایندگانی برای مذاکره معرفی کنند، کارگران هشیارانه از معرفی نماینده سرباز می‌زنند. چون به تجربه دریافته‌اند که در این مواقع، معرفی نماینده می‌تواند به بهای دستگیری و یا اخراج از کار رهبران اعتصاب و سرکوب خود اعتصاب تمام شود.

اعتصابهای سال گذشته بار دیگر نشان می‌دهد که طبقه کارگر می‌تواند علیرغم رژیم ترور و خفقان از حربه "اعتصاب در راه دستیابی به خواستهای خود بهره جوید و رژیم و کارفرمایان را به عقب نشینی وادار کند. رژیم از وقوع اعتصابها - خواه کوچک و خواه بزرگ - بگونه‌ای حیوانی هراس دارد، زیرا

سیاسی است" درجه و ژرفای سیاسی بودن این مبارزه "صنفی بدون تردید با ماهیت رژیم حاکم بر جامعه در ارتباط است. در شرایط کنونی که در جامعه "ما تفنگ و سرنیزه و شلاق حکومت می‌کند، طرح خواستهای صنفی همانند اعتراض به کسر حقوق و دستمزد برای کمک به جیبها خواه ناخواه جنبه "سیاسی" بخود می‌گیرد. زیرا شکل‌گیری هر اعتراض و اعتصابی بمعنی کلنگ زدن بر دیوار اختناق است و به رویارویی کارگران با نیروهای سرکوبگر می‌انجامد. از این رو، هر اعتصاب حق طلبانه "صنفی، در شرایط جامعه "ما تا اندازه‌ای خصلت سیاسی بخود می‌گیرد و از این دیدگاه دارای ارزش و اهمیت ویژه‌ای است.

وقوع اعتصاب در محیط‌های کار و تولید در شرایط کنونی کشور ما پدیده‌ای است قانونمند و ادامه "منطقی فشارها و محرومیت‌های عظیم اجتماعی - اقتصادی و سیاسی است که از عوامل عینی، یعنی فرمانروایی مناسبات ناعادلانه "سرمایه‌داری، تشدید بهره‌کشی، ژرفش تضادهای اجتماعی و پدیده‌های بحرانی در اقتصاد کشور و بدتر شدن وضع گذران زندگی کارگران سرچشمه می‌گیرد. ولی در عین حال نباید نقش عامل ذهنی، یعنی افزایش سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران و فعالیت فعالان صنفی و نیروهای انقلابی را نادیده انگاشت.

به باور ما در صورت عمل مشترک نیروهای سیاسی، مدافعان منافع طبقه کارگر، جنبش اعتصابی علیرغم تلاشها و توطئه‌های سرکوبگرانه

می‌افزاید: مبارزه "پیکار برای افشاندن پدر آگاهی طبقاتی در بین کارگران و زحمتکشان و متحد کردن کارگران آگاه در زیر پرچم حزب طبقه کارگر. طبقه کارگر تا آن زمان که هنوز آگاهی سوسیالیستی کسب نکرده و با حزب طبقه خویش پیوند برقرار نساخته است، برای بورژوازی بعنوان یک "طبقه" در خود "ولی نه "برای خود"، چهره‌نمایی می‌کند. اما هنگامی که پرولتاریا با سوسیالیسم علمی پیوند می‌یابد و سیمای کامل و انقلابی خویش را در آئینه "اندیشه‌های والای مارکسیسم - لنینیسم باز می‌شناسد و موقعیت و رسالت تاریخی خود را در می‌یابد و گام به بهینه "پیکار سازمان یافته" اجتماعی در راه آرمانهای طبقاتی خود می‌گذارد، تبدیل به طبقه "برای خود" می‌شود و بورژوازی همواره با استفاده از هر وسیله‌ای در این راه سنگ می‌اندازد. آری، کارگر اگر با بهره‌گیری از اشکال گوناگون مبارزه از جمله اعتصاب، از دایره "مبارزات صنفی فراتر نرود، "طبقه‌ای در خود" باقی می‌ماند، حال آنکه با درک موقعیت سیاسی و طبقاتی خویش به "طبقه‌ای برای خود" تبدیل می‌گردند و شاه کلید گشایش دروازه‌های آینده را کشف می‌کنند.

رفقا! هم‌زمان! آستین‌ها را باید بالا زد، با گامهای استوار و با دستهای پر، در سطح هر چه گسترده‌تر بمیان طبقه کارگر رفت. از زندگی ورزم آنها آموخت و به آنها آموزش داد که چگونه خوشه‌های طلایی طبقاتی را درو کنند و با جلب اتحاد متحدان خود به طبقه‌ای پیر و زمند، به "طبقه‌ای برای خود" تبدیل گردند.

کارگران و زحمتکشان!

در راه ایجاد هسته‌های مخفی رهبری سندیکاها و اتحادیه‌ها مبارزه کنید!

سندیکایی بنا به وظایف خود، عامترین مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در ارتباط با حقوق کارگران و زحمتکشان مطرح می‌سازد. کارگران و زحمتکشان آگاه!

اگر کارگران دست به دست هم دهند و یکدل و یکزبان در برابر ستمگری سرمایه‌داران و رژیم مدافع آنها قد علم کنند، هیچ نیرویی قادر نخواهد بود در رویارویی با آنها تاب بیاورد. اتحاد و تشکل سرچشمه قدرت و توانایی است. اگر رژیم با هر اقدام اتحاد طلبانه و سازمانگرا زحمتکشان و فعالان صنفی پشددت به مقابله برمی‌خیزد، نه نشانه قدرت او، بلکه نشانه هراس او از اتحاد شماست. دقیقاً به همین خاطر بود که تشکل‌های صنفی واقعی شما، که در سال‌های پس از انقلاب تشکیل شده بود، غیر قانونی اعلام شد و فعالان صنفی و کارگران و سازمانگران آگاه تحت پیگرد قرار گرفتند و در

همانند رژیم آزادی‌کش "ولایت فقیه" برخلاف مقاله‌نامه‌های بین‌المللی کار، اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقاله‌نامه‌های مربوط به حقوق بشر، این آزادی‌ها و حقوق مسلم زحمتکشان را آشکارا لگدمال می‌سازند.

فعالان صنفی! هسته‌های حزبی!

احیای جنبش صنفی - سندیکایی، به عنوان گسترده‌ترین و توده‌ای‌ترین بخش جنبش کارگری، در شرایط اختناق کنونی، اشکال سازمانی خاص خود را طلب می‌کند. این جنبش بنا به خصالت و وظایف خود باید قاعدتاً با بهره‌برداری از شیوه مبارزه علنی و قانونی، در بین کارگران و زحمتکشان شکل گیرد. ولی حکومت سرنیزه چنین امکانی را از زحمتکشان سلب کرده است. طبیعی است، سلب آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک به معنای توقف مبارزه در راه خواست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

در قطعنامه پلنوم دی‌ماه ۶۶ کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن تأکید بر ضرورت سازماندهی مبارزه صنفی - سندیکایی کارگران در اشکال گوناگون، راه دستیابی بدان "ایجاد هسته‌های مخفی رهبری سندیکاها و اتحادیه‌ها در درون کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و در درجه اول کارخانه‌های بزرگ صنعتی" اعلام شده است.

طرح ضرورت سازماندهی مبارزه صنفی - سندیکایی کارگران از طریق ایجاد هسته‌های مخفی رهبری سندیکاها و اتحادیه‌ها ریشه در یک رشته علل و عوامل کاملاً عینی دارد که آنها را در کلی‌ترین خطوط چنین می‌توان برشمرد: ماهیت نظام و شرایط حاکم بر جامعه، مناسبات ناعادلانه موجود در محیط‌های کار و تولید مواضع و ایسگرایانه و ضددمکراتیک رژیم، وضع دشوار طبقه کارگر با توجه به سطح مبارزه و آگاهی و تجربه آن، نیاز به سمت‌دهی مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان و فراهم سازی زمینه برای تبدیل مبارزه اقتصادی کنونی از حالت پراکنده و خودپوی به مبارزه متحد و سازمانیافته و سرانجام فرارویی این مبارزه به مبارزه سیاسی.

در شرایط کنونی در کشور پهران زده ما کارگران و زحمتکشان در زندگی روزمره خود با مسائل حاد اقتصادی و اجتماعی گوناگونی روبرو هستند. در نتیجه سیاست و عملکرد ضد مردمی و ضد ملی رژیم و ژرفش و گسترش بحران اقتصادی - اجتماعی دامنگیر آن، زندگی فروشدگان نیروی کار و سپاه چند میلیونی بیکاران روز به روز بدتر و بدتر می‌شود. دامنه فقر و گرسنگی، در بدری و بی‌خانمانی، بیماری و بی‌دارویی در بین زحمتکشانی که ثروتی جز فروش نیروی کار خود ندارند، بیش از پیش توسعه می‌یابد و تهاجمی می‌آفریند. در عین حال، هر گام و حرکت اعتراضی و اعتصابی حق طلبانه زحمتکشان در راه خواست‌های صنفی خود، همانند جلوگیری از اخراج‌های بی‌رویه، افزایش حقوق و دستمزد، پرداخت حق بهره‌وری، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل، اعتراض به کسر درصدی از حقوق یا دستمزد ناچیزشان برای کمک به جیب‌ها به اشکال گوناگون با تلاش سرکوبگرانه رژیم روبرو می‌شود.

یکی از علل بسیار مهمی که به رژیم آزادی‌کش "ولایت فقیه" امکان می‌دهد تا مبارزات صنفی کارگران و فعالان صنفی و کارگران آگاه و مبارز را آماج پیگرد و تعقیب و دستگیری و شکنجه و زندان قرار دهد، همانا پراکندگی و تفرقه آنهاست که خود از جمله معلول پایمال سازی آشکار آزادی‌ها و حقوق سندیکایی زحمتکشان از سوی رژیم است.

در حالی که آزادی‌ها و حقوق سندیکایی، به‌عنوان یکی از عناصر بنیادی آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک، در اکثر کشورها برسمیت شناخته شده است، رژیم‌های دیکتاتوری و خودکامه،

بخشی از حقوق سندیکایی زحمتکشان، برگرفته از اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی

- زحمتکشان حق دارند برای دفاع از منافع خود در هرگونه عمل سندیکایی، اعم از اعتصاب، تحریم، تشکیل گروه انتظامات اعتصاب، اشغال محل کار، تظاهرات خیابانی و اشکال دیگر مبارزات سندیکایی شرکت جویند.

- زحمتکشان حق دارند برای ابراز همبستگی به اعتصاب یا اقدامات دیگری که مناسب می‌دانند دست زنند و به این مناسبت نباید مورد بازخواست، اخراج یا تنبیه قرار گیرند.

- زحمتکشان حق دارند مطبوعات را که مایلند بدست آورند، مطبوعات و نشریات سندیکایی و کارگری را پخش کنند، به تبلیغات سندیکایی بپردازند و بدون دخالت مقامات دولتی و کارفرمایان آموزش سندیکایی دلخواه خود را کسب کنند.

- زحمتکشان حق دارند آزادانه و بدون کسب اجازه گردهم آیند، درباره کلیه مسائل مورد علاقه خود بحث و اظهار نظر کنند.

- زحمتکشان، از جمله کارمندان دولت، حق دارند سندیکا تشکیل دهند، به سازمان‌های سندیکایی موجود بپیوندند، بدون اجازه و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان در هرگونه فعالیت سندیکایی شرکت ورزند.

- اعضای سندیکا آزادانه اساسنامه سندیکایی خود را تنظیم میکنند و طرز کار و فعالیت‌های سندیکارا بدون دخالت و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان سازمان می‌دهند.

- اعضای سندیکا حق دارند بر طبق اساسنامه سندیکا رهبران خود را انتخاب کنند و به عضویت ارگانهای رهبری سندیکایی انتخاب شوند،

فروشدگان نیروی کار نمی‌توانند باشد و نیست. تاریخ جنبش کارگری در کشورهای سرمایه‌داری پرورشی گواه بر آن است که به هیچ وسیله‌ای نمی‌توان طبقه کارگر را از مبارزه در راه تشکل در سندیکاها و اتحادیه‌ها برای دستیابی به خواست‌های برحق خود بازداشت. امر تشکل کارگران و زحمتکشان، قطع نظر از تفاوت‌های عقیدتی، مذهبی و مسلکی، در سندیکاها و اتحادیه‌ها، یک ضرورت است که از وضعیت عینی میلیونها کارگر و زحمتکش در جامعه طبقاتی سرچشمه می‌گیرد و سرانجام هر سد و مانعی را از پیش پای خود برمی‌دارد.

در شرایط کنونی، بخاطر پیشبرد مبارزه اقتصادی و پایه گذاری سندیکاها و اتحادیه‌های آزاد و مستقل، باید هسته‌های رهبری مخفی آنها را از بین کارگران آگاه، مطمئن و باتجربه تشکیل داد؛ این تشکل‌ها باید برای دستیابی به امکان فعالیت قانونی و علنی مبارزه کنند. در این راه، نباید از نظر دور داشت که جنبش

زندان‌ها زیر شکنجه رفتند.

باید در راه حقوق و آزادی‌های سندیکایی مبارزه کرد. سازمان‌های صنفی واقعی خود را با رهبری مخفی احیا کنید! سندیکاها کارگری را در هر کارخانه و هر کارگاه به سنگر خود بدل سازید! مبارزات صنفی و مطالباتی خود را سازمان دهید! دامنه این مبارزات را از محدوده یک کارخانه به یک رشته تولید و از یک رشته تولید به تمام رشته‌ها گسترش دهید!

رفقا! اعضا و هواداران حزب!

با بسیج همه امکانات خود در محیط‌های کار و تولید تلاش ورزید تا هسته‌های مخفی رهبری سندیکاها و اتحادیه‌ها را در سطحی هرچه گسترده‌تر سازمان دهید. در راه ایجاد هسته‌های مخفی رهبری سندیکایی باید چشم‌انداز وسیعی را در نظر داشت: چشم‌انداز متحد کردن همه زحمتکشان قطع نظر از تفاوت‌های عقیدتی، مذهبی و مسلکی و به دست آوردن نهضت جنبش کارگری در مراکز صنعتی و در درجه اول

برسکوی ماه مه

سیاوش کسرائی

بگذرند و سرمایه داران -

می شناختم
شمایان را به بوی شمایان
ونه بوی شهنم عرق
که بر مفرغ اندامتان می نشست
نه به بوی روغن چرخ و دستگاه
ونه حتی به بوی نفت
که پیشاپیش شما می دويد
می شناختم
به عطر کار
که از هزار ابزار می تراود.

ای خداوارگان
ای کارگران که دست شما راست
تردستی آفرینندگی:
تراش آهن و سنگ
ساز سق و ستون
هرش به هنگام بر اندام زندگی
ورهانیدن حیات از پرهنگی!

نیاتان نعلبند بود
شما چلنگر.

فرزندانتان موشک خواهند ساخت
آی چه والا که شما ببید!

اسپی رهوار کردن
قفل کشودن
و آسمان را پوییدن.

این بس
که بازوان بکشاید و
جغرافیای جهان
در آغوشتان باشد!

می آید!

از فراز خیزابه های خون
- بی تشویش باد و مهاده جان -
از درون گردها چنگ و چنون.

می آید!

پیمان کرده
پیوند زده
پیکار کرده و پیروزی آورده
که خود

پیک و بیامید
شایسته نامید!

می گذرید

پر فرشی از لاله
از دل دالان آفرین و هلله

هرمی آید و

می ایستید
پرسکوی افتخار اول ماه مه

تا شاهان

از پیشگاهتان

پایان جلسه مشورتی . . .

همبستگی، برابری، احترام به عقاید و نظرات تک تک احزاب، عدم مداخله در امور داخلی آنها و همکاری انترناسیونالیستی در راه دمکراتیک تر کردن ساختار و ترکیب شورای سردبیران گام بردارد. بر پایه "اطلاعیه" پایانی، مباحثات "جلسه" مشورتی در فضایی رفیقانه و آکنده از صراحت کمونیستی صورت گرفت.
به گزارش خبرگزاری "ج. ت. کا." (چکسلواکی) حزب کمونیست ایتالیا در نامه ای به مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" اعلام داشت، که ارتباطات خود را با آن قطع می کند، ولی خویش را در انتشار مقالاتی از "مجله" که مورد علاقه "ویژه" این حزب باشد، آزاد می بیند.

"هیئت ملی همبستگی ایران" . . .

همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا انجام شد. در این دیدار شرکت کنندگان پیرامون تدارک کننده "هفتم" "آپسو"، که نزدیک به هفت ماه دیگر در دهلی بر گزار خواهد گردید به بحث و بررسی پرداختند. نمایندگان حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز در این جلسه شرکت فعال داشتند و پیشنهادهای خود را به اطلاع شرکت کنندگان رساندند و به رئیس "آپسو" ارائه دادند.

نقاط، از خطر بمباران موشکی و هوایی در امان نیست. هزاران نفر از مردم ستم دیده میهن مادر روزهای اخیر کشته و زخمی و بی سرپناه شده اند. باید به این جنگ خانمانسوز پایان داده شود. این خواست اکثریت مردم ایران است.

حزب توده ایران با در نظر گرفتن مصالح ملی و بین المللی، خواهان خروج بلادرنگ همه نیروهای دریائی و ناوگان جنگی کشورهای بیگانه از خلیج فارس است. ما خواهان اجرای بدون قید و شرط قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از جانب رژیمهای ایران و عراق هستیم. در این قطعنامه، کلیه مسائل، از جمله تعیین تجاوزکار، در مد نظر قرار گرفته است. نزدیک به هشت سال ادامه جنگ نشان داد که مسائل مورد اختلاف بین دو کشور ایران و عراق رانه از طریق نظامی بلکه از راه مذاکرات سیاسی باید حل کرد. رد این دیدگاه، به هر بهانه ای که باشد، خیانت به منافع ملی و مصالح عالییه میهن ماست. مردم ایران خواهان صلح هستند. وظیفه همه نیروهای مترقی، ملی و میهن پرست است که دست بدست هم داده و در راه تحقق این خواست مردم، متحد مبارزه کنند. هر چه صفوف صلح طلبان فشرده تر باشد، زودتر می توان به صلح دست یافت.

زنده باد صلح!

نابود باد جنگ!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۰ فروردین ۶۶

تجاوز امریکا به ایران را . . .

مواضع خود در کشورهای خلیج فارس را بیش از پیش فراهم می آورد و بویژه ایالات متحده آمریکا این امکان را می یابد، تا با سرکوب جنبشهای رهایی بخش در منطقه به غارت بی بند و بار منابع طبیعی این کشورها ادامه دهد. سران مرتجع جمهوری اسلامی نیز با اصرار در ادامه جنگ برای "صدور انقلاب" که امنیت همه کشورهای منطقه را به خطر انداخته است، عملاً به تحقق هدفهای سیاسی نظامی ایالات متحده آمریکا کمک می کنند. سران رژیم بهانه اولویت داشتن جنگ تا کنون از برآوردن خواستهای برحق و عادلانه زحمتکشان ایرانی خودداری کرده اند و اینک نیز ورشکست اقتصادی کشور و گسترش فقر و بیکاری و تورم را با همان ترفند پرده پوشی می کنند. رژیم با سو استفاده از باورهای مذهبی مردم، هستی میلیونها ایرانی را فدای هدفهای توسعه طلبانه خود می کند.

عملیات تجاوز گرانه امپریالیسم آمریکادر روزهای اخیر، با توجه به بی آمدهای فاجعه باری که بچارچوب آن رانی توان پیش بینی کرد، عملاً بازی شوم و پرمخاطره ای با صلح و امنیت منطقه و جهان است. ادامه تهدیدها، تحریکات و تدارکات امپریالیسم آمریکا و سران مرتجع و جنگ طلب ج. ا. به منظور انجام اقدامات تلافی جویانه، میهن ما را بیش از پیش در معرض خطر قرار می دهد. اکنون شهرها و روستاهای کشور ما، حتی دور افتاده ترین

کارخانه های صنعتی بزرگ، یعنی شاهرگهای اصلی اقتصاد کشور رفقا! در روند مهارزات روزمره صنعتی و اقتصادی است که کارگران پیش از پیش چهره بهره کشان و دشمنان طبقاتی و نیز دوستان و مدافعان راستین خود را می شناسند و بخشی از آنها رفته رفته به ضرورت آموزش و حقانیت اندیشه های ما و درستی راه حزب ما پی می برند. نباید از نظر دور داشت که شرکت در رهبری مهارزات اقتصادی زحمتکشان، زمینه مناسبی را فراهم می سازد تا علاوه بر ژرفش آگاهی کارگران و زحمتکشان، بخشی از آگاه ترین و از نظر سیاسی پخته ترین و آموزش یافته ترین آنها به صفوف حزبمان جلب گردند.

رفقا! در راه بهبود شرایط کار و زندگی زحمتکشان، اعتصاب همچنان موثرترین سلاح مبارزه است. کارگران باید در این "مکتب نبرد" علیه ستم سرمایه داری آموزش ببینند. باید تاکتیکهای اعتصابی را برای به سکون نشاندن خواستهای برحق خود بهبود بخشید. برای واداشتن رژیم و کارفرمایان به پذیرش خواستهایتان، باید اعتصابها را با گردهمایی و تظاهرات و جلب همبستگی همزنجیران طبقاتی خود در دیگر واحدهای کار و تولید همراه ساخت. در این راه بویژه باید بر خواستهایی انگشت گذارد که واقعا مسائل مهم کارگران هرچه بیشتری باشد. توجه به این نکته ضرور است که بهران ژرف دامنگیر رژیم و گسترش ناخشنودی کارگران و زحمتکشان از سیاست و عملکرد آن زمینه جلب پشتیبانی توده های هرچه وسیعتری را از اعتصابها فراهم ساخته است.

پایان دادن به جنگ خواست مردم ایران است

قتل "ابوجهاد" بدست تروریستهای اسرائیلی

پایان جلسه مشورتی مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"

جلسه "مشورتی"، که چند روز پیش درباره "فعالیت مجله" "مسائل صلح و سوسیالیسم" در پراگ برگزار شد و آغاز آن را در شماره "پیش نامه" مردم باطلاع خوانندگان رساندیم، روز ۱۵ آوریل به پایان رسید. در این جلسه مشورتی نمایندگان ۱۲ حزب کمونیستی و کارگری و انقلابی-دمکراتیک، از جمله حزب توده ایران، شرکت کردند.

بر پایه "اطلاعه ای، که پس از پایان جلسه" مشورتی انتشار یافت، موضوع بحث شرکت کنندگان گزارش هیئت تحریریه و شورای سردبیران مجله درباره "کار این نشریه از دسامبر ۱۹۸۴ تا فوریه ۱۹۸۸" بود. شرکت کنندگان در بحثی سازنده و انتقادی به بررسی فعالیت نویسندگان مجله پرداختند. آنها بر اهمیت مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" تاکید ورزیدند و پیشنهادهای مشخصی در راستای بهبود آن ارائه داشتند. احزاب شرکت کننده در جلسه "مشورتی" پراگ به این نتیجه رسیدند، که شرایط کنونی پیکار در راه صلح، دمکراسی، رهایی ملی، استقلال و پیشرفت اجتماعی ایجاب می کند، که بر فعالیت ایدئولوژیک-نظری احزاب برادر افزود و تبادل اطلاعات و تجربه را میان آنها گسترش بخشد.

احزاب برادر بر این ضرورت پای فشردند، که با توجه به ویژگی کشورها و منطقه های گوناگون و با بهره گیری از خلاقیت مارکسیسم باید با قاطعیت بیشتری با واقعیات و مسائل تحول اجتماعی برخورد شود. به عقیده "شرکت کنندگان"، "مجله" لازم است، به مسائل جلوگیری از فاجعه "هسته ای، خلیج سلاح هسته ای، و پیوند میان پیکار در راه صلح و مبارزه برای آزادی ملی و اجتماعی، از یکسو، و تحول اجتماعی از سوی دیگر، گفتگو و همکاری میان کمونیستها و دیگر نیروهای صلح دوست و دمکراتیک توجه ویژه مبذول دارد.

در این چارچوب، بسیاری از احزاب اهمیت نوآندیشی سیاسی را در دوران ما خاطر نشان ساختند. جلسه "مشورتی" پراگ بر ضرورت بالا بردن سطح تئوریک و محتوای اطلاعاتی نوشته های "مجله" و چشمگیرتر کردن مطالب آن بمنظور جلب خوانندگان هر چه بیشتر تاکید ورزید. شرکت کنندگان در "جلسه" مشورتی" به شورای سردبیران پیشنهاد کردند، که بر پایه "اصول بقیه در ص ۷

کمکهای مالی رسیده:

بهارک از ایران برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی ۱۰ دلار
افضلی از اوئمو ۴۰۰ کرون
کمک به خانواده زندانیان سیاسی استکهلم ۴۰۰ کرون

سرکوبگریهای تروریستی اسرائیل به اعتصاب همگانی سه روزه دست زدند. نیروهای اسرائیلی به محاصره "این مناطق پرداختند و با اعلام حکومت نظامی در حدود ۷۰۰ هزار فلسطینی را به ماندن در خانه های خود مجبور ساختند.

آریل شارون، وزیر بازرگانی و صنعت اسرائیل، و معروف به "قصاب لبنان" قتل خلیل الوزیر را "عملی عادلانه" خواند. وی، که در سال ۱۹۸۲ در کشتار لبنان نقش مهم داشت، افزود، که ساهاست "خواستار نابودی سرکردگان سازمانهای تروریستی" بوده است. سازمان "تروریستی" مورد نظر شارون "سازمان آزادی بخش فلسطین"، این بگانه نماینده "راستین خلق فلسطین است، که اکثر کشورهای جهان آنرا به رسمیت شناخته اند.

نامه "تسلیمت زیر از طرف کمیته" مرکزی حزب توده ایران به یاسر عرفات، صدر کمیته "اجرابی" سازمان آزادی بخش فلسطین، فرستاده شد.

دوست گرامی، یاسر عرفات،
قتل ناجوانمردانه "خلیل الوزیر" اندوه عمیقی در ما برانگیخت. بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران، این ضایعه بزرگ را به شما، "سازمان آزادی بخش فلسطین" و همه مبارزان فلسطینی تسلیمت می گویم.
ما خلیل الوزیر را بمنابه "پیکارگری فداکار در راه آرمانهای الوای خلق فلسطین می شناسیم و خود را در سوگ او شریک می دانیم.
حزب توده ایران، بدین مناسبت، با رد دیگر همبستگی خویش را با مبارزه عادلانه "سازمان آزادی بخش فلسطین" در راه پیشبرد حقوق خلق فلسطین و برپایی یک کشور مستقل فلسطینی یادآور می شود.

حلی خاوری
دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

در روزهای اخیر، در اعتراض به جنایت هولناک قتل "ابوجهاد" و محافظانش تظاهرات وسیعی در مناطق اشغالی فلسطین برگزار شد، که در ۲۰ سال گذشته بی سابقه بود. پس از انتشار خبر قتل خلیل الوزیر (ابوجهاد)، یکی از رهبران برجسته "سازمان آزادی بخش فلسطین"، در تونس بدست یک گروه کماندوئی جنایتکار اسرائیلی، موج اعتراض فلسطین اشغالی را فرا گرفت. نظامیان اسرائیلی برای مقابله با اعتراضات خشماگین فلسطینی ها نسبت به این جنایت فجیع، از نوبه کشتار آنها دست زدند. تنها در روز پس از قتل خلیل الوزیر حداقل ۲۰ فلسطینی، از جمله چند زن و کودک کشته، و بیش از ۲۰۰ تن زخمی شدند.

به گزارش خبرگزاریها در حدود ساعت ۲ شب ۱۶ آوریل یک گروه کماندوئی صلح، مرکب از شش مرد و یک زن، به خانه "جانشین فرمانده" کل نیروهای صلح "سازمان آزادی بخش فلسطین" حمله بردند، نخست سه تن از محافظان خلیل الوزیر را کشتند و سپس خود او را جلوی دیدگان همسر و کودکانش بقتل رساندند.

چنانکه "رویتر" گزارش می دهد، دسیسه قتل این مبارز فلسطینی با آگاهی دولت اسرائیل طرح ریخته شده بوده است. شامیر، نخست وزیر اسرائیل و پارس، وزیر خارجه، این کشور، موافقت خود را با "عملیات کماندوئی" مشترک "موساد" و یک واحد ویژه ارتش ابراز داشته بوده اند.

محافل عمومی جهان قتل خلیل الوزیر، ملقب به "ابوجهاد"، را بشدت محکوم کردند.

رهبری "سازمان آزادی بخش فلسطین" در اعلامیه ای، که در تونس منتشر شد، اعلام داشت: "قتل سیاستمدار برجسته "سازمان آزادی بخش فلسطین" مردم فلسطین را از ادامه مبارزه در راه دستیابی به حقوق مشروع خویش باز نخواهد داشت."

فلسطینی های مقیم مناطق اشغالی روز دوشنبه ۱۸ آوریل، در اعتراض به قتل خلیل الوزیر و

تظاهرات ضد جنگ در آتن

سی ام مارس ۱۹۸۸ با همکاری "کمیته یونانی برای همبستگی دمکراتیک جهانی"، "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران"، "دانشجویان پیشگام" و جمعی از دانشجویان عراقی در یونان تظاهراتی در برابر دفتر سازمان ملل در آتن انجام گرفت. در این تظاهرات، که علیه "جنگ شهرها" و سفر ولایتی، وزیر امور خارجه ایران، به یونان بود، تعداد زیادی ایرانی و عراقی شرکت داشتند. قاعنامه "تظاهرات" در ملاقات حضوری با مسئول دفتر سازمان ملل متحد در آتن به او داده شد. همچنین هیئتی از نمایندگان "کمیته همبستگی"، "کانون کارگری آتن" و "سندیکای کارمندان

ادارات دولتی" قلعنامه "تظاهرات" را به سفارتهای ایران و عراق بردند. سفارت ایران طبق روش همیشگی خود، آنرا تحویل نگرفت و تظاهر کنندگان مجبور شدند آنرا روی در سفارت بچسباندند.

سپس با شعارهای "زنده باد صلح!" و "نابود باد جنگ!" تا هتل محل اقامت ولایتی راهپیمایی شد. خبر تظاهرات در بیشتر روزنامه های پرتیراژ یونان بازتاب یافت.

در قلعنامه ها روی لزوم قطع جنگ، خطر گسترش آن، بمباران شهرها و کشتی ها در خلیج فارس، استفاده از جنگ افزار شیمیایی و حضور نظامی آمریکا و دیگر کشورهای "ناتو" در منطقه تاکید شده است.

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است

آدرس پستی:
NAMEH
MARDOM
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden
NO: 204
26 April 1988